

## پیش گفتار مازیار رازی

### امپریالیزم به مثابه بالاترین مرحله ی سرمایه داری

«امپریالیزم به مثابه ی بالاترین مرحله ی سرمایه داری»- در نیمه ی اول سال ۱۹۱۶ به رشته ی تحریر در آمد. لنین از سال ۱۹۱۵ در شهر برن (سونیس) به مطالعه مطبوعات جهانی مربوط به امپریالیزم پرداخت و در ژانویه سال ۱۹۱۶ شروع به نوشتن این کتاب نمود. در پایان ژانویه این سال لنین به زوریخ رفت و در کتابخانه ی شهر زوریخ به ادامه ی نگارش این کتاب پرداخت. رونویس ها، خلاصه نویسی ها، یادداشت ها و جدول هائی که لنین از صدها کتاب، مجله، روزنامه و مجموعه آمار استخراج کرده است بیش از ۴۰ ورق بزرگ چاپی را تشکیل می دهد. متن این تحقیقات در سال ۱۹۳۹ به صورت مجموعه ی جداگانه ای تحت عنوان «یادداشت های مربوط به امپریالیزم» منتشر گردید.

بدیهی است که از زمان نگارش این جزوه تا به امروز نظام امپریالیزم دستخوش تحولات نوینی شده است. به سخن دیگر برای درک وضعیت کنونی امپریالیزم نمی توان تنها به جزوه لنین اکتفا کرد. در این پیش گفتار با تأیید تحلیل های لنین در مورد عصر امپریالیزم به دوره اخیر اشاراتی می شود.

در واقع امپریالیزم امروزی عبارت است از مرحله احتضار سرمایه داری انحصاری یا «سرمایه داری پسین». دوران کلاسیک امپریالیزم با جنگ جهانی اول خاتمه یافت. از آن پس نظام جهانی سرمایه داری با بحران عمیقی روبرو بوده است. وجه مشخصه بحران نظام جهانی ظهور انقلاب ها و جنگ های خائمانسوز است. جنگ

های اول و دوم جهانی؛ انقلاب‌های روسیه، چین و کوبا و اعتصاب‌های کارگری گسترده در سراسر جهان؛ طغیان‌های کارگری در اسپانیا و ایتالیا و فرانسه نشانگر این انحطاط در سیستم جهانی بود.

امپریالیزم که تمام بحران‌ها و جنگ‌ها را به دول شوروی و اروپای شرقی نسبت می‌داد، با فروپاشی شوروی و «بلوک شرق»، نوید «صلح» و آرامش را سر داد؛ در سال‌های پیش‌نشان داده شد، که امپریالیزم بدون جنگ آفریزی و کشتار مردم سایر نقاط جهان قادر به ادامه حیات اقتصادی نیست. تهاجمات نظامی به یوگسلاوی، افغانستان و حمله نظامی به عراق همه نمایانگر مرحله انحطاط این نظام جهانی است. در این مرحله تمام تضادها نظام امپریالیستی برجسته‌تر از پیش می‌شود. علل اصلی جنگ آفریزی‌ها اینست که سرمایه‌داری پسین با بحران دائمی اشباع انباشت روبرو است. این وضعیت رقابت شدیدتر از پیش برای کسب سودهای افزونه انحصاری را طلب می‌کند. در این مرحله برخلاف دوران پیش (عصر کلاسیک امپریالیزم)، ضمن به قوت باقی ماندن تمام قوانین حرکت و تضادهای سرمایه‌داری جهانی؛ شیوه عملکرد سرمایه‌داری نسبت به سایر نقاط جهان، تغییر می‌کند.

چنانچه در عصر کلاسیک امپریالیزم (جزوه نلین)؛ مسیر دخالتگری، صدور سرمایه به کشورهای پیرامونی بود؛ در دوره جدید؛ تمرکز اصلی بر محور تولید کالاهای مصرفی برای بازارهای بومی این کشورها است. این روند به تشدید عقب‌افتادگی در کشورهای محیطی منجر شد. بیشتر توضیح می‌دهیم:

اول؛ در این دوره با توسعه و گسترش تولید صنایع؛ تولید مواد خام مصنوعی در کشورهای پیشرفته صنعتی، فراهم آمد. صدور سرمایه از کشورهای وابسته به خود کشورهای متروپل تغییر جهت داد. نیروی کار ارزان کشورهای پیرامونی دیگر منطبق با استفاده وسیع از تکنولوژی صنعتی نبود. در نتیجه تولید مواد خام مصنوعی (الیاف مصنوعی؛ لاستیک، پلاستیک و غیره) در کشورهای متروپل جایگزین مواد خام در کشورهای پیرامونی گشت. نتیجه این تغییرات منجر به انتقال

حوزه عمل سرمایه خارجی از مواد خام به مانوفاکتور شد. در نتیجه، جهت مداخلات امپریالیزم نسبت به کشورهای دیگر جهان تغییر کرد.

دوم؛ برخلاف دوره پیش که بازارهای درونی کشورهای عقب افتاده جذابیت خاصی از منظر امپریالیزم نداشت؛ در دوره اخیر با رشد قشرهای پردرآمد مصرف کننده، بازار این کشورها مورد توجه کشورهای متروپل قرار گرفت. سریع ترین روش برای کنترل بر بازار این کشورها و هم چنین از میان برداشتن رقبای دیگر امپریالیستی که کالاهایشان در بازارها عرضه داده می شد، تولید در آن کشورها بود. در این مرحله، سرمایه خارجی همراه با بورژوازی بومی بخش های مهم بازار را به خود اختصاص دادند. رشد فوق العاده در صنایع مونتاژ در این دوره نمایانگر این تحولات نوین است. همزمان با تولید کالاهای مصرفی مبادله نابرابر میان کشورهای متروپل و پیرامونی تشدید شد. زیرا «محصول کار» در کشورهای متروپل بارآورتر از محصول کار در کشورهای عقب افتاده، بود. از این رو به شکلی انتقال «ارزش» از کشورهای عقب افتاده به کشورهای صورت گرفت. اضافه بر این نظام جهانی امپریالیستی تساوی میزان سود در سطح بین المللی را به ضرر کشورهای عقب افتاده تغییر داد. در نتیجه؛ وابستگی اقتصادی را هر چه بیشتر تشدید داد.

سوم؛ بخش ۲ (بخش تولید کالاهای مصرفی) به علل فوق رونق حاصل کرد، اما در بخش ۱ (بخش تولید وسایل تولید) رشد، محدود باقی می ماند. عدم وجود مبادله بین این دو بخش اقتصادی، منجر به تجدید رشد نیروهای مولده می گردد. هم چنین کالاهای مصرفی تولید شده به رغم استفاده از نیروی کار ارزان، تغییر تعیین کننده ای در صادرات این کشورهای ایحاد نمی کند و کالاهای عمدتاً برای مصرف داخلی باقی می ماند.

چهارم؛ گسترش بخش ۲ (بخش تولید کالاهای مصرفی) بدون گسترش بازار درونی منحصر به انحصاری شدن سریع تولید گشته و این امر به نوبه خود بحران همیشگی اشیاع انباشت و محدود ماندن رشد صنعتی را به دنبال خواهد آورد.

عوامل بالا باعث تشدید ناموزونی بیشتر در سطح جهانی می‌گردد. به سخن دیگر دخالت‌های این دوره امپریالیزم منجر به پیدایش نوع ویژه‌ای از سرمایه‌داری می‌گردد. سرمایه‌داری ناقص الخلقه (و غیرعادی). در این دوره براساس نیازهای مرحله‌ای امپریالیزم حکومت‌های وابسته از لحاظ سیاسی (یا مستقیم) و به حکومت‌های غیرمستقیم تغییر شکل می‌دهند. موقعیت این کشورها، از از کشورهای استعماری (دوره کلاسیک امپریالیزم) به شبه‌استعماری (دوره سرمایه‌داری پسین) تغییر می‌یابد. امپریالیزم، کشورهای عقب‌افتاده را دیگر نیازمند به سرمایه‌های صادراتی کشورهای متروپل نکرده، بلکه آن کشورها را متکی به زمینه‌ریزی برای جذب وسایل تولیدی اشباع شده خود، می‌کند. در این دوره برای ایجاد تسهیلات ضروری برای چنین زمینه‌ریزی‌ی، سرمایه‌ها نه به شکل «صادرات» بلکه به صورت وام‌های درازمدت و یا کمک‌های بلاعوض به کشورهای پیرامونی داده می‌شود. نقش «سازمان بین‌المللی پول» و نهادهای مشابه، در این دوره تضمین نیازهای کنونی امپریالیزم است. بدین ترتیب با کمک‌های فوق، دولت‌ها و سرمایه‌داری بومی ناقص الخلقه (ساخته شده توسط امپریالیزم) این کشورها، زیربنای اقتصادی (سیستم بانکی، ترانسپورت و غیره) را برای جذب کالاهای کشورهای متروپل، بنیاد می‌نهند.

۶ تیر ۱۳۸۵

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.iwsn.org/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: [yasharazarri@yahoo.com](mailto:yasharazarri@yahoo.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری